

متن پرسش

سلام استاد عزیز: ۱. می خواستم درباره آفرینش عالم مادی سوال بپرسم، اینکه فلاسفه می گویند که ماده اولاً صورت پذیرفته، مگر این ماده و صورت در خارج یک چیز نیستند؟ پس چطور امری رو که ما در ذهنمون بر آن تفکیک قائل می شویم را در خارج هم سرایت می دهند و اینکه در تعریف ماده می گوییم که همان استعداد و قابلیت هست در حالی که نمی توان عالم ماده از استعداد محض شروع شده باشد، بالاخره برای تشکیل عالم ماده باید حداقل یک صورت داشته باشیم! خواهشمندم در ارتباط با این موضوع اگر کتابی و یا صوتی را بیان فرمودید و یا از اساتید دیگر می شناسید معرفی بفرمایید.

۲. آیا مطلب زیر درست هست؟ در باب تناهی یا متناهی ابعاد جهان طبیعت این سوال مطرح است که اگر ما فرض را بر آن بگیریم که اگر جهان محدود است در ابعاد، بعد از این محدودیت چه چیزی است، اگر بگوییم عدم است که در خارج عدم نداریم و اگر بگوییم وجود است پس این وجود دارای حد است چون بعد از اتمام یک حد، شروع حد دیگر است و فرض نمی توان کرد که چیزی موجود باشد و طرفی از آن حد باشد و آن طرفش (چون حد دارد طرف هم برمی دارد) حد نداشته باشد، از طرفی هم حد و حدود از ویژگی عالم طبیعت و ماده است و به همین منظور می شود نامتناهی بودن عالم ماده رو اثبات نمود. ۳. در باب حرکت جوهری در اثبات برهان اول فرمودید که هر عرضی باید به ذات منتهی شود و حرکت در عرض هم باید به حرکت در جوهر برگردد و بدین جهت حرکت در جوهر را می توان ثابت نمود سوال این است که در باب اعراض دیگر چرا همچنین استدلالی جوابگو نیست مثلاً در باب رنگ و بو که هر دو از اعراض هستند ولی چرا به یک جوهر که عین بو و یا عین رنگ باشند بر نمی گردند، اشتباه بنده در فهم این مطلب به کدام قسمت برمی گرده؟ با تشکر فراوان از صبر حضرتعالی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. آری! موضوع صورت و ماده، یک تحلیل عقلی است به همین جهت سهروردی نمی پذیرد و جناب صدرا نیز در برهان اول «اثبات حرکت جوهری» بر مبنای نظر قوم بحث جوهر و عرض را پیش می کشند، وگرنه خود او جوهر مادی را پایین ترین مرتبه‌ی وجود می داند. ۲. به نظر بنده به فکر خوبی و نکته‌ی ارزشمندی دست یافته‌اید. ۳. چون بو و رنگ هم، عرض می باشند و نمی توان برای آن‌ها ذاتی قائل شد. ولی برای حرکت به عنوان ذاتی که بالقوه می باشد؛ می توان جوهری را در نظر گرفت. موفق باشید

